

دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام از مانی تا معاصران کمال الملک

● مرضیه رسولی املشی

کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

آبرنگ‌کار، آهن‌کار، افشانگر، بازیگر، بنا، پارچه‌باف، تذهیب‌کار (تذهیب‌پرداز، مذهب)، ترصیع‌ساز، تسبیح‌ساز، تصویرگر، جلدساز، جواهرساز، چاقوساز، حجتار، حکاک (چوب، فلز و سنگ)، حل‌کار، خواننده، خوشنویس (خطاط)، دواتگر، رسام، رسمی‌ساز، رنگ‌کار، روضه‌خوان، روغنی‌کار، رویگر، زرکش، زرگر، زرنکار، زری‌باف، زیلوباف، سازنده اسطربلاب، سازنده ساز، سازنده طلا، سنتورساز، سنگتراش، سوخته‌کار، سیاه‌قلمی‌کار، شاعر، شکسته‌نویس، شمشیرساز، صحاف، طیانچه‌ساز، طراح پارچه و فرش، طغراکش، طلاکوب، عکاس، فرش‌باف، فلزکار، فلزنکار، قپان‌ساز، قداره‌ساز، قطاع، قلمدان‌ساز، قلم‌زن، کاتب، کارگردان، کاسه‌گر، کاشی‌پز، کاشی‌تراش، کاشی‌ساز، کاشی‌کار، کاشی‌نگار، کتابساز، کتیبه‌نگار، کوزه‌گر، گچ‌کار، گچ‌بر، گره‌چین، گره‌کار، گلزارنویس، گل‌ساز، لاجوردشوی، لاک‌کار، مجسمه‌ساز، معرق‌کار، معمار، منبت‌کار، منشی، موسیقی‌دان، میناساز، مینا‌کار، مینیاتوربست، نازک‌قلم، نجار، نقر، نقاش، نقاش نقش‌قالی، نقاش ناخنی، نقره‌کار، نقره‌کوب، نقش‌آفرین فلزات، نقشه‌کش، نگارگر، نگارگر فلز، نگین‌تراش، نوازنده، وراق و هنرمندان زردوزی، سوزن‌دوزی، مرواریددوزی می‌شود.

درباره مؤلف و کتاب او

«عباس سرمدی متولد ۱۳۱۸ در سال ۱۳۴۰ جزء شورای محلی رادیو با نواب صفا و مهدی اخوان ثالث همکاری می‌کرد. تألیف سه جلد کتاب پیرامون شاهنامه به مناسبت هزاره فردوسی، تصحیح دیوان خواجوی کرمانی، دیوان پروین اعتصامی، خمسه نظامی در هفت جلد، زندگی و آثار رسام عرب زاده، زندگی نامه احمد نیریزی، نگارش دو غمنامه فرود و تهمینه، شعر گلپایگان، شعر اصفهان، شورستان از رباعی تا غزل، عروسکی زیر برف، مرغ‌ها و رویاه مکار، از جمله آثار اوست. وی با مجله درآستانه فردان نیز همکاری دارد و دواثر بزرگ

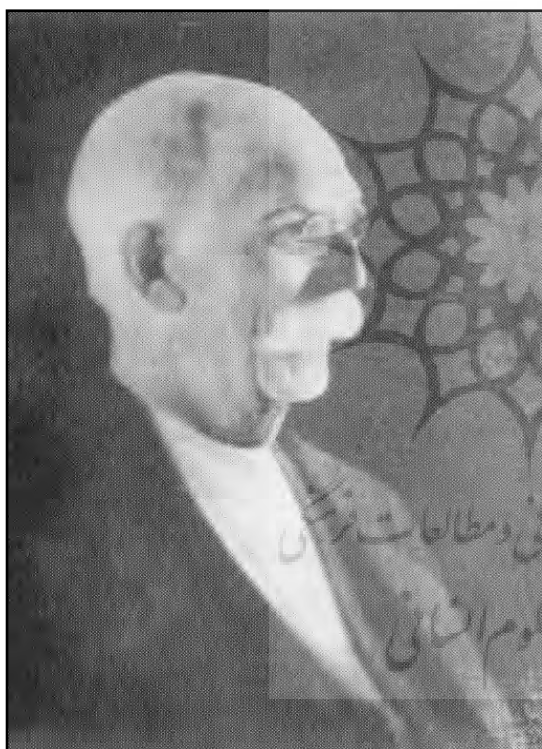


● عباس سرمدی، دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، تهران: انتشارات هیرمند، چاپ اول، ۱۳۸۰، ۹۹۰ صفحه، وزیری.

«درآمیختن با پدیده‌ای به نام دایرةالمعارف، نوعی عشق است، با همه مرارت‌ها، انتظارات، کنایه‌ها و ستم‌هایش، اگر این عشق نباشد، قدمی به پیش نمی‌رود.» (دکتر عباس حری)^۱

دانشنامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، با هدف ثبت همه افرادی که مبدأ هنری در فرهنگ ایران و جهان اسلام بوده‌اند نوشته شده است و مؤلف سال‌های بسیاری را صرف گردآوری مطالب این کتاب کرده است و کتابی شامل در حدود ۵۷۳۰ مدخل ارائه نموده است که اگرچه تمرکز اسامی هنرمندان مختلف رشته‌های گوناگون هنری در یک جا کاری ارزشمند و درخور توجه است، اما توجه به روش علمی و ضوابط تهیه و نشر دانشنامه نویسی نیز نباید از نظر دور داشته شود. هنرمندانی که نام آنها در این کتاب آمده است شامل هنرمندان

چنانکه معمول است در این گونه موارد از فهرست اسامی مستند مشاهیر کتابخانه ملی استفاده می شود، اما مؤلف در این کتاب حتی در مورد اسامی بسیار مشهور مانند ابن سینا، شیخ بهایی و فارابی نیز سلیقه ای عمل کرده است



وی که در مرحله چاپ قرار دارد، فرهنگنامه هنرمندان ایران و کتاب تاریخ هنر ایران است.^۲ سرمدی نگارش دانشنامه هنرمندان ایران را در سال ۱۳۶۴ شروع کرده که مدت ۱۶ سال به طول انجامید. وی در ابتدای این کتاب تحت عنوان «توضیح مؤلف» درباره هدف نگارش اثر می نویسد: «اندیشه جمع آوری گروه کوچک این هنرمندان آنگاه در مخیله ام ظهور کرد که مشاهده کردم در مدت چندسال که از دیدار بسیاری از آثار هنرمندان در بعضی از شهرها گذشته بود، انبوهی از آثارشان محو شده و نام هنرمند به فراموشی سپرده شده است، بنابراین اندیشیدم که در طول تاریخ چه بسیار نام های هنرمندان که گم شده است و چه بهتر که به هرکجا سفر کنم نام هنرمندانی چون کتیبه نویس و معمار، حجار، قلمزن، نقاش و هرکس مبدأ هنری در فرهنگ این سرزمین بوده ثبت نمایم، ...» پس از «توضیح مؤلف»، پیش گفتار کتاب در هفتاد و دو صفحه به هنر در روند تاریخ، سیر هنر در عهد اسلامی، و سه مقوله معماری، نگارگری و کتاب آرایی و خوشنویسی به عنوان مهم ترین هنرهای اسلامی می پردازد.

عنوان مدخل ها

این دانشنامه بر اساس الفبایی نام هنرمندان، بدون تفکیک هنرها، تنظیم شده است. عنوان هر مدخل شامل نام هنرمند و شهرت یا نسبت وی است که گاه به صورت مقلوب درآمده است. درباره نحوه انتخاب نام هنرمندان باید گفت چنانکه معمول است در این گونه موارد می بایست از شیوه مستند و واحدی برای اسامی استفاده شود و از صورت های دیگر به نام انتخاب شده ارجاع داده شود. اما مؤلف به این موضوع که از اصول اولیه فرهنگنامه نویسی است توجهی نداشته و نام اشخاص را به صورت های گوناگون آورده و از قاعده خاصی پیروی نکرده است. چنانکه در نمونه های زیر ملاحظه

می شود. این اسامی گاهی همراه با عنوان، لقب و نام پدر است و گاهی به تنهایی فقط از نام و نسبت هنرمند تشکیل شده است. این آشفتگی و عدم روشمند بودن ذکر اسامی موجب کاهش کارایی کتاب در بازیابی اسامی مورد نظر شده است. چنانکه معمول است در این گونه موارد از فهرست اسامی مستند مشاهیر کتابخانه ملی استفاده می شود، اما مؤلف در این کتاب حتی در مورد اسامی بسیار مشهور مانند ابن سینا، شیخ بهایی و فارابی نیز سلیقه ای عمل کرده است مانند: بهایی شیخ (بهاء الدین حمد بن حسن عاملی)؛ ابوعلی سینا؛

- ابونصر فارابی.
و حتی واژه کلنل را از کنار نام علینقی وزیر حذف نکرده است (وزیری - کلنل علینقی).
چنانکه در نمونه‌های زیر ملاحظه می‌شود در بین اجزای اسم به جای (،) از (-) استفاده شده است که معمول نیست.
استقصای زیر عمق آشفستگی و مبنای غیرعلمی کتاب حاضر را در انتخاب صورت مدخل‌ها نشان می‌دهد.
- آوردن نام کامل، مرکب از کنیه و لقب و نام پدر و جد، مانند:
ابوعمر و عثمان بن حسین بن ابوسهل و راق غزنوی
کمال‌الدین حسین بن خلیل‌الله مشهدی
گاهی نام کامل در جلو نام انتخاب شده در داخل پرانتز آمده است:
عبدالقادر حسینی (میرعبدالقادر حسینی شیرازی)
میرک - جلال‌الدین - آقامیرک حسینی اصفهانی میرک دوم)
- آوردن کنیه یا لقب پس از نام در داخل یا خارج پرانتز:
احمدکاتب - فخرالدین
حسین فخرشیرازی (جمال‌الدین)
محمد بن احمد ترمذی (ابونصر)
محمد بن اسماعیل گلپایگانی - ابویوسف
- آوردن لقب در جلو اسم در داخل پرانتز:
ابراهیم‌آملی (صدرالکتاب)
صمصام خان (مصورالممالک)
عبدالله دادور (قوم السلطان)
و یا به صورت زیر:
میرعلی شیرازی ملقب به شمس‌الادبا
آقابزرگ شیرازی (نقاش باشی)
عباس نقاشباشی (میرزا عباس)
و گاه برعکس عمل شده است:
تاج‌الواعظین (حاج تاج‌نیشابوری)
- آوردن نام + شهرت:
احمد نیری
میرعلی هروی
- آوردن نام و شهرت هنرمند به صورت مقلوب:
چاوشی زاده - سیدعلی
قنبرشرفی - حافظ
- حتی در مورد اسامی معاصر نیز از یک شیوه واحد پیروی نشده است و اسامی گاه به صورت مقلوب شده و گاه به صورت نام + شهرت آمده است:
حسین یا حقی
- بنان - غلامحسین
- آوردن نام کوچک در داخل پرانتز:
رابط اصفهانی (ملک محمد)
کاتب‌زاده جزایری (حسن بن مصطفی)
کاشف اصفهانی (اسماعیل بیک)
- گاه شکل عادی اسامی در جلو نام مقلوب شده آورده شده است:
رخساز - استادعلی (علی رخساز)
رأفت - ابراهیم (ابراهیم رأفت)
- آوردن نسبت هنرمند به تنهایی:
لنکرانی (در شرح حال وی آمده است که نامش میرزا حسن بن حاج امیرعلی است)
رسام ارژنگی (نام وی عباس است که در شرح حالش آمده است)
گاه نیز نسبت هنرمند در داخل پرانتز در جلو نام اصلی او آورده شده است:
عبدالصمد شیرین‌رقم (شیرازی)
- استفاده از نام اشهر که نام کامل در داخل پرانتز آورده شده است:
فاخته‌ای (حسین قوامی)
کلهر (حاج محمد صالح خان کلهر)
کلهر (رضاقلی خان منوچهری منشی باشی)
راوندی (محمد بن علی بن سلیمان الراوندی)
و گاهی پس از نام اشهر نام کوچک نیامده است:
ادیب خوانساری (در شرح حال وی می‌خوانیم که نامش اسماعیل و فرزند میرزا محمود است.)
- گاه برعکس بالا، نام اشهر در داخل پرانتز در جلو نام کوچک آورده شده است:
علی اشرف (عندلیب شیرازی)
و گاه به صورتی دیگر:
محمد بن عبدالقادر معروف به فکری
ذوالفقار (مشهور به آقابزرگ تالوکی)
محمد قاسم هروی مشهور به ادیمی
- چگونگی انتخاب نام اشهر مشخص نیست. برای نمونه در مورد دو نام مشابه زیر به گونه‌ای متفاوت عمل شده است:
عبدالحسین صنیع همایون
صنیع همایون (رضی طالقانی)
قوللر آقاسی - حسین
محمد قوللر آقاسی - میرزا



کهنه فروش های
یهودی، اثر کمال
الملک، موزه کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی

– گاه تخلص هنرمند پس از نام کامل او آورده شده است:

حسن الحسنی لاهیجی – حالی

– آوردن نام پدر در داخل پرانتز در جلو اسم:

مبارک میرزا (ابن محمود میرزا)

محمدعلی اصفهانی (ابن محمد صادق)

تقی (ابن سلطان الکتاب)

– و یا به صورت های دیگر:

ماشالله نجار بیدگلی فرزند قاسم

پیرمحمد کاتب ولد محمد حافظ

جانی (فرزند استاد بهرام)

– نام زنان هنرمند گاه با نام پدر به صورت زیر آورده شده است:

ضیاء السلطنه بنت فتحعلی شاه

فاطمه سلطان بنت مقصودعلی

اما گاه با اینکه نام پدر هنرمند مشخص است آورده نشده است:

ماه رخسار (فخرالدوله)

که در شرح حال وی آمده است که وی دختر عباس میرزا است.

– آوردن مهارت هنرمند در داخل پرانتز در جلو نام آمده مانند

توصیفگر، اما نه همه جا:

حسن (قلمدان ساز)؛ حسین (نقاش و بافنده)؛ عیسی بیک

(رنگ کار).

گاه این توصیفگر از مهارت و نسبت هنرمند تشکیل شده است:

دیوانه (نقاش تبریزی)؛ محمد (نقاش شیرازی)؛ محمود

(مذهب باشی شیرازی).

– گاهی نیز مهارت هنرمند به نام وی اضافه شده است:

اسماعیل وراق؛ عبدالرحمان فرمان نویس؛ عبدالرحیم عاج تراش؛

عبدالرسول حجار؛ علی احمد دهلوی نگین تراش؛ مصطفی چلبی

مجلد و یاری هروی مذهب و...

– آوردن صورت دیگر اسامی در داخل پرانتز در جلوی آن:

ابراهیم کهر هندی (ابراهیم نقاش)

حسنعلی خان (امیرخان)

صحیفی (صحیفی جوهری)

صفی الدین عبدالمؤمن (صفی الدین ارموی)

غلامرضا اصفهانی – میرزا (میرزا غلامرضا)

غلامحسین درویش (درویش خان)

کشورخانم (فرخ لقا)

کلایده الله (کربلایی یدالله سروری)

لونی (عبدالجلیل چلبی)

ملک قصاع (آقا ملک)

– عدم حذف عنوان آقا، حاج، خواجه، درویش، سید، شیخ،

کربلایی، ملا، میر، میرزا که می بایست حذف می گردیدند و

شگفت تر آنکه این عناوین گاه پس از نام آورده شده اند، به اشکال

متفاوت زیر نگاه کنید:

آقاسیدعلی کرمانی

آقا محمدتقی صحاف اصفهانی

ولایت الله گلپایگانی – آقا

حاج میرزا لطف الله روضه خوان اصفهانی

عبدالله شیرازی نوربخشی – حاج

خواجه احمد

عبدالرزاق – خواجه

درویش احمد صوفیوی

عبدالمجید طالقانی – درویش

سید جواد

عبدالله – سید (سید عبدالله)

ابراهیم – شیخ

نقد و بررسی

ابراهیم سرابی (شیخ)
 شیخ احمد عودی
 کربلایی کاظم نجار جزنی
 محمدتقی دهقی - کربلایی
 معز-ملا
 ملاتفلیسی - ملا
 وفایی سمنانی - مولانا
 مولانا مجلدی خراسانی
 میرحسین دهلوی
 ابراهیم قزوینی - میر
 میرزا محمد اصفهانی
 پرتو-میرزا علی رضا

- گاهی عنوان به صورت مقلوب شده بعد از اسم و سر اسم هر دو آمده است:

فضل الله - میر (میرفضل الله)
 آقاخان - میرزا (میرزا آقاخان)

- گاه از دو عنوان استفاده شده است:

اجاق (آقاسید محمود)
 باقرقمصری (حاج سیدباقر)
 رضا تبریزی - آخوند ملا
 عبدالله خلف - حاج میرزا
 نجفی زنجانی - حاج شیخ احمد
 نجومی (آقا میرزا حسن)

و یا آوردن کلمات زائده مانند «مرحوم»:

قنبرعلی ابن مرحوم محمدکاظم نوری - استاد

- آوردن واژه «استاد» قبل یا بعد از برخی اسامی، که معلوم نیست به چه علت حتی در مورد برخی اسامی معاصر آورده شده است:

فرادی - استاد عبدالله

بهزاد - استاد حسین

عبدالله تسبیح ساز کرمانشاهی - استاد

آقاجان کاشی پز - استاد

ابراهیم بن استاد اسماعیل بناء اصفهانی - استاد

- به جز موارد فوق به شکل خاص دیگری نیز برمی خوریم:

ابراهیم (باسجح سلام علی ابراهیم)

و نیز مدخل «عبدالله شهابی - بنیاد تبریزی»، چون نام این دو با هم در یک قطعه مذهب آمده است، نام هر دو با هم آمده است، در حالی که در مدخل «بنیاد تبریزی» نام عبدالله شهابی نیامده است. و یا مدخل «محمود شوقی - محمد راسم، مصطفی راقم، ابراهیم دده» که نام هر چهار تن در قطعه ای آمده است، اما فقط در اینجا به آن اشاره شده و در مدخل سه هنرمند دیگر اشاره ای به این قطعه نشده است. به این ترتیب ارتباط مدخل ها با یکدیگر برقرار نشده است.

در جایی دیگر به جهت عدم تمایز میان محمدهاشم و محمد هاشم اصفهانی آنها را در یک مدخل به طور مشترک آورده است. در جلوبرخی اسامی (شاید فقط یکی) عنوان لاتین نیز آمده است: ماکرا (Makra)، نقاش هندی، اما شگفت آنکه نام لاتین اسامی فرنگی (مانند آنزل هلندی، کارژیلو اروپایی، ماک روسی ...) آورده نشده است.

نکته دیگر واژه های سرصفحه در صفحات زوج و فرد است که بنابر سنت دانشنامه ها می بایست با اولین مدخل بالای صفحه سمت راست و آخرین مدخل سمت چپ مطابقت کند تا به راحتی بتوان به مدخل مورد نظر دست یافت، اما در این دانشنامه در این قسمت نیز آشفتگی وجود دارد، زیرا در حروف چینی یا صفحه بندی کتاب گاه به جای آنکه کل نامی که در مدخل به کار رفته است به سرصفحه منتقل گردد، تنها جزء آخر اسم، مانند میرزا، درویش، سید و غیره به سرصفحه در صفحات چپ منتقل شده و در ردیف الفبایی سرصفحه کتاب اخلال ایجاد کرده است و خواننده به راحتی نمی تواند از طریق سرصفحه به مدخل مورد نظر خود دست یابد.

ارجاعات

یکی از ضعف های عمده کتاب عدم استفاده از ارجاعات است که در برخی موارد امکان یافتن نام هنرمندی را به صفر می رساند. برای مثال هنرمند مشهوری چون کمال الملک را در ردیف الفبایی مربوط نمی یابیم و برای آن ارجاعی هم وجود ندارد و باید آن را در «غفاری - محمد (کمال الملک)» بیابیم.

همچنین برای هیچ یک از اسامی بالا که به صورت های گوناگون به کار رفته ارجاعی ساخته نشده است. در سراسر کتاب تنها چند مورد انگشت شمار ارجاع وجود دارد که آنها نیز دقیق نیستند و از شیوه واحدی در آنها پیروی نشده است. در زیر به دو نمونه متفاوت در شکل ارجاع اشاره می شود:

* «حیدر علی ثریا - رک ثریا»

* «میرک اول به روح الله میرک خراسانی مراجعه شود.» ارجاع کور است، چون مدخل مورد ارجاع وجود ندارد.

متن مدخل

در ذیل نام هر هنرمند دوره زندگی، محل تولد و شرح حالی مختصر و کلی از او آورده شده است و به مهارت ها و آثار وی و محل نگهداری آنها به اختصار اشاره شده است. وسعت اطلاعات مداخل متفاوت است. بنابراین حجم مدخل ها و کوچکی و بزرگی آنها به زندگی و آثار، درجه اشتهار و یافته هایی که درباره آنها موجود است بستگی دارد. طولانی ترین مدخل کتاب مربوط به محمد غفاری (کمال الملک) است. در این جا شرح حال کامل و مفصلی از استاد بیان می شود و نام ۱۰۴ اثر از آثار به جای مانده از کمال الملک، به همراه سال خلق اثر و

مجله هنر و مردم. در این نمونه‌ها به نام نشریه و شماره آن، گاهی بدون ذکر نام مقاله، اشاره شده است.

در مدخل «اشتری - احمدخان» (ص ۹۰) و «صدیقی - ابوالحسن» (ص ۳۳۸) و شاید چند مدخل دیگر مشخص نشده چه دلیلی عبارت «یادش گرامی باد» به جای نام مأخذ آورده شده است!

تصاویر

استفاده از تصاویر بسیار و مناسب از ویژگی‌های درخور توجه این کتاب است. این تصاویر اغلب سیاه و سفید و تعدادی نیز به صورت رنگی است. در مجموع از ۳۳۰ تصویر سیاه و سفید و ۲۸ تصویر رنگی استفاده شده است.

این تصاویر اغلب مربوط به آثار هنرمندان است، گاهی نیز از تصویر خود هنرمند استفاده شده است که این گونه تصاویر بیشتر مربوط به هنرمندان معاصر است.

چنانکه «در توضیح مؤلف» در آغاز کتاب اشاره شده است در این کتاب از عکس‌های استثنایی کتاب احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی تألیف محمدعلی کریم‌زاده استفاده شده است و این تصاویر با علامت ستاره (*) مشخص گردیده است.

تصاویر اغلب نزدیک مدخل خود قرار گرفته‌اند، اما گاهی نیز بسیار دور هستند. مثلاً تصویر «مسجد جامع گلپایگان اثر ابی‌عمر بن محمد القزوی» در صفحه ۹۷۱ دیده می‌شود، اما مدخل این هنرمند در صفحه ۴۸ کتاب درج شده است. «خط تعلیق منسوب به خواجه اختیار» در صفحه ۲۷ و شرح حال آن هنرمند در صفحه ۲۱۶ آمده است.

نوشته زیر تصاویر از قاعده یکسانی پیروی نمی‌کند، گاه با اشاره کامل به نام اثر، هنرمند، تاریخ اثر و محل نگهداری آن است و برخی اوقات فقط نام اثر آمده و گاه هیچ توضیحی ذکر نشده است.

در برخی موارد، شکل انتخابی نام هنرمند، چنانکه در مدخل به کار رفته است با نام هنرمند، به گونه‌ای که در زیر تصویر به کار رفته است متفاوت است. برای نمونه زیر نویس تصویر «مسجد آقابزرگ کاشان اثر جامی شعبان» است، اما نام این هنرمند در مدخل به صورت «شعبان علی معمار پشت مشهدی - استاد» آمده است.

نام برخی تصاویر در جمله آثار هنرمند که در ذیل نام وی آمده ذکر نشده است، برای مثال در مدخل مربوط به ابوالحسن صدیقی اشاره‌ای به تابلوی «حضرت امیر...» (ص ۳۳۵) و «مجسمه حاج مقبل...» (ص ۳۳۸) که تصویر آنها در کتاب آمده نشده است.

مدخل مربوط به برخی تصاویر ظاهراً در متن وجود ندارد. برای مثال «یادگار کیخسرو» با توضیح بیشتری در ذیل آن در صفحه ۲۲۰ دیده می‌شود: «یادگار کیخسرو کار زنده یاد استاد عباس بلوکی فر

محل نگهداری آن در موزه‌ها و مجموعه‌ها ذکر می‌شود. تابلوی «کهنه فروش‌های یهودی و عموصادق شیرازی»، تابلویی از مجموعه کریم‌زاده و تصویر حکیم الملک از جمله آثار کمال الملک و نیز هشت تصویر که کمال الملک را در گذر زمان نشان می‌دهد تصاویر مربوط به این مدخل هستند.

از تابلوهای کمال الملک در قسمت‌های دیگر کتاب نیز استفاده شده است: مرد مصری؛ فالگیر (ص ۱۶۲).

منابع و مأخذ

ذکر اسامی مأخذ و منابع از مهم‌ترین ویژگی‌های هر دانشنامه معتبری است و در حقیقت معیاری مهم در ارزیابی کار مؤلف به دست می‌دهد. اما در این دانشنامه، در کنار اشکالات عمده‌ای که وجود دارد، در بیشتر مدخل‌های کتاب اشاره‌ای به منابع و مأخذ نمی‌شود. نک ص ۱۶۷-۱۷۰، ص ۲۶۴-۲۷۲، ص ۳۰۲-۳۱۰، ص ۳۲۰-۳۲۶، ص ۳۳۵-۳۳۸ و نمونه‌های بسیار دیگر.

در مدخل‌های محدودی که نام مأخذ ذکر شده است تنها نام کتاب، بدون هیچ توضیحی و حتی ارجاع به صفحه مورد نظر با قلم ریزتر آورده شده است.

مثلاً برای مدخل «عبدالرحمان کاتب خوشنویس...» (ص. ۳۸۶) مأخذ «فهرست نسخه‌های خطی» ذکر شده است، اما مشخص نیست که منظور کدام فهرست است.

در پایان کتاب نیز فهرست منابع و مأخذ کتاب ارائه نشده است. حال آنکه مطابقت برخی مدخل‌های کتاب نشان می‌دهد که اطلاعات مؤلف این دانشنامه محدود به چند مأخذ خاص است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود.

دو کتاب احوال و آثار خوشنویسان تألیف مهدی بیانی و احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی تألیف محمدعلی کریم‌زاده از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مأخذ کتاب حاضر هستند. دیگر منابع مورد استفاده عبارت‌اند از: آستارا تا استرآباد؛ تاریخ اصفهان؛ سرگذشت موسیقی ایران و فهرست خوشنویسان قرن دهم.

در آوردن اسامی کتاب‌ها نیز یکسان عمل نشده است فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سلطنتی تألیف بدری آتابای، یک جا «فهرست آتابای» و در جای دیگر «فهرست کتب تاریخ آتابای» آمده است. جایی از ارجاع «محمدعلی کریم‌زاده» استفاده شده است که معلوم نیست منظور همین کتاب احوال و آثار نقاشان قدیم است یا کتابی دیگر. در جایی آمده است «فهرست گلچین» که مشخص نیست منظور احمد گلچین معانی است یا کسی دیگر، و اگر اوست منظور فهرست تاریخ تذکره‌های فارسی است یا «فهرست کتب کتابخانه مبارکه آستان قدس رضوی» است کتابی دیگر.

در برخی موارد نیز ارجاع به نشریه‌ای دیده می‌شود، از جمله

نقد و بررسی

نقاش بزرگ قهوه‌خانه که در پاییز هفتاد و نه درگذشت. اما مدخلی برای عباس بلوکی فر، نقاش آن، وجود ندارد.

نکته دیگر اینکه مشخص نیست دو تصویر «سرسون تخت جمشید هنر عهد هخامنشی» و «مجسمه شاپور هنر عهد ساسانی» مربوط به کدام مدخل هستند.

دربارۀ اثر

همان‌گونه که از عنوان دانشنامه برمی‌آید، خواننده بر این باور است که اثر حاضر به بررسی شرح حال هنرمندان ایران و جهان اسلام در محدوده زمانی ذکر شده می‌پردازد. از طرفی گستردگی کشورهای اسلامی و به تبع آن تنوع هنر و خیل عظیم هنرمندان اسلامی، به تنهایی دانشنامه‌ای عظیم رارقم می‌زند. این در حالی است که تعداد اندکی از مداخل (شاید تنها ده‌ها مدخل) به هنرمندان خطه اسلامی که آن هم به دو کشور هند و عثمانی محدود می‌شود، اختصاص داده شده است. لازم به ذکر است که تنها چند مدخل که از تعداد انگشتان دودست تجاوز نمی‌کنند به هنرمندان شهرهای هرات، دمشق، قندهار تعلق دارد.

حال پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا هنرمندان جهان اسلام، تنها به دو کشور و همین تعداد انگشت شمار محدود می‌شوند؟ بهتر بود که مؤلف محترم نیز مانند کتاب احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی اثر کریم زاده تبریزی که از مآخذ عمده کتاب حاضر نیز می‌باشد، تعریفی از محدوده جغرافیایی اثر خود ارائه می‌نمود و با به‌کارگیری کلمات تأکیدی «برخی» و «تعدادی» از کشورهای اسلامی در عنوان اثر یا در مقدمه محدودیت کار خود را نشان می‌داد.

در این کتاب حتی نام چند هنرمند غیر ایرانی و غیرمسلمان نیز دیده می‌شود که در ایران کار می‌کرده‌اند، مانند آنژل هلندی، کارژیلو اروپایی و ماک روسی.

محدوده هنرهای مورد نظر نیز باید تعیین می‌شد، برای مثال آوردن مدخل «عبدالحسین سپنتا»، بازیگر و کارگردان، در این دانشنامه چقدر مناسب است و آیا مؤلف به اصل جامعیت و مانعیت در دانشنامه نویسی توجه داشته است یا خیر.

مؤلف در پیش‌گفتار طولانی کتاب به طور اعم به سیر هنر در ادوار تاریخی و به طور اخص به تاریخچه هنرهای باستانی ایران از هزاره‌های قبل از میلاد، دوران قبل و بعد از اسلام می‌پردازد. اما آنچه در مقدمه هر دانشنامه‌ای ضروری می‌نماید توضیح روش کار مؤلف، چگونگی جمع‌آوری اطلاعات، نحوه استفاده از مآخذ، شیوه انتخاب مدخل‌ها و ارجاعات، دشواری‌های کار، راهنمای استفاده و چگونگی دستیابی به مداخل است که متأسفانه در مقدمه کتاب اشاره‌ای به آنها نشده است.

با نگاهی به شرح حال صاحبان هنر در این دانشنامه، آنچه که

قابل تأمل است، این است که برخی از آنان، صاحبان حرف و مشاغل در عهد و زمانه خود بوده‌اند. بهتر بود با تفکیک و تمایز دو مقوله هنر و حرفه که تنگاتنگ و در عرض هم به منصفه ظهور رسیده‌اند، جایگاه هنرمند و استادکار بهتر شناسانده می‌شد و امتیاز و رتبه هنری هنرمندان طراز اول و ممتاز از استادکاران مشخص می‌گردید.

از سوی دیگر در این دانشنامه مشخص نیست که چه تعریفی از هنرمند در ذهن مؤلف وجود داشته است، به همین دلیل در این دانشنامه با مدخل ابوعلی سینا و ابونصر فارابی و شیخ بهایی نیز، به دلیل مهارت این فیلسوفان در شعر و موسیقی، برخورد می‌کنیم.

کلام آخر را با ناشر می‌گوییم که بی‌توجه به اشکالات بسیاری که در بالا بدانها اشاره شد غلط‌های چاپی بسیاری را نیز به متن افزوده‌اند، اما جلد زیبا و چاپ خوب و تصاویر رنگی و متعدد کتاب از جمله ویژگی‌های ارزشمند کتاب است.

در پایان کوشش مؤلف را برای گردآوری هنرمندان بسیار هنرهای مختلف ایرانی و اسلامی در یک جارج می‌نهیم و امیدواریم این کتاب در چاپ مجدد به گونه‌ای روشمندتر و علمی‌تر آماده شود.

پانوش:

۱. نک: کتاب ماه کلیات، ش ۶۵، اردیبهشت ۸۲، ص ۱۵.

۲. نک: www.isna.ir/newscont

پوزش و تصحیح

متأسفانه بر اثر اشتاب در انتشار «کتاب ماه کلیات» شماره ۸۱-۸۲ اغلاطی در بعضی مقالات راه یافت. به ویژه در مقاله وزین «ویلهلم آلورت و فهرست کتابخانه برلین» که در هنگام انتقال از یک برنامه به برنامه دیگر متأسفانه جملات لاتین آن به صورت وارونه در آمد و ناخواسته به همان شکل چاپ گردید.

از این رو دست اندرکاران انتشار «کتاب ماه کلیات» ضمن پوزش از کلیه خوانندگان، مولفان و علاقه‌مندان این نشریه، به ویژه جناب آقای «حسین متقی» مؤلف ارجمند، امیدوارند در نخستین زمان ممکن موفق به تجدید چاپ مقاله مذکور گردند و چاپی درخور و شایسته زحمت مؤلف محترم مقاله، در اختیار خوانندگان قرار دهند.

«کتاب ماه کلیات»